



جعفر ربانی

ژول ورن، هر اندیشه
یا مطلبی را که به
نظرش می‌رسید و
گمان می‌کرد به درد
نوشته‌هایش می‌خورد
یادداشت می‌کرد

مقاله، یکی از دلپذیرترین انواع یا گونه‌های نوشتن است. این گونه نوشتن از دوره مشروطه به بعد از جهان غرب به کشور ما آمد و خیلی زود به مجلات و روزنامه‌ها راه یافت و مورد استقبال مردم واقع شد. در گذشته مقاله‌نویسی در ایران مرسوم نبود. البته نوشته‌های کوتاهی وجود داشت که به آن‌ها «رساله» می‌گفتند ولی از نظر ساختار و محتوا با مقاله، که بعداً پیدا شد، تفاوت‌هایی داشت؛ از جمله این که رساله را به طور مستقل منتشر می‌کردند ولی مقاله در مجله یا روزنامه چاپ می‌شد.

مقاله چیست؟

در این نوشتارها ما تاکنون درباره نوشتن خاطره، گزارش، سفرنامه و... سخن گفته‌ایم و اکنون نوبت به «مقاله‌نویسی» رسیده است. مقاله نوشته‌ای کوتاه از حدود ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ کلمه - دو صفحه تا ۱۵ صفحه - است که در آن، نویسنده موضوعی در زمینه خاص را با هدف مشخصی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در پایان نتیجه‌ای از آن می‌گیرد. باید شما را به این نکته مهم توجه دهیم که مقاله‌نویسی نسبت به خاطره، گزارش، سفرنامه، قطعه ادبی، طنز و... از هر جهت متفاوت بوده

و در واقع از جایگاه مهم‌تر و بالاتری برخوردار است. مهم‌ترین ویژگی‌های مقاله که می‌تواند این تفاوت را نشان دهد عبارت است از:

۱. موضوع مقاله دقیق و مشخص و معمولاً در یکی از زمینه‌های اعتقادی، علمی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی، هنری، ورزشی و... است.
 ۲. شیوه بیان مقاله ساده و فارغ از احساسات و تمایلات شخصی نویسنده است.
 ۳. محتوای مقاله سیر منطقی دارد و هر عبارت آن باید براساس عبارت‌های پیشین نوشته شده و آن‌ها را تکمیل کند.
 ۴. مقاله دارای طرح و نقشه است.
- در میان ویژگی‌های بالا، آخرین آن‌ها، یعنی «طرح و نقشه» از بقیه مهم‌تر است؛ به طوری که اگر مقاله‌ای این ویژگی را دارا باشد ویژگی‌های دیگر را هم به دنبال خود می‌آورد. حال ببینیم منظور از طرح و نقشه چیست؟
- بوفون، طبیعی‌دان و دانشمند فرانسوی، گفته است: «انشا (مقاله) عبارت است از حرکت و انتظامی که به افکار داده می‌شود و به صورت نوشتار درمی‌آید.» همین دانشمند در جای دیگری گفته است: «برای خوب نوشتن - یعنی خوب فکر کردن - باید تمام قوای عقلانی با هم به کار افتند.» این عبارت

در حقیقت حاکی از این است که هیچ نوشته‌ی جدی و صحیحی نمی‌تواند بدون نظم و منطق باشد. زیرا اگر نوشته یا مقاله ترتیب منطقی نداشته باشد، آن چنان که باید در ذهن خواننده نمی‌ماند و او نمی‌تواند چکیده‌ی مطلب را به ذهن بسپارد.

هر مقاله‌ای به طور کلی دارای سه بخش است (مقدمه، متن و پایان) و البته این سه بخش در هم تنیده‌اند؛ یعنی یکی بدون آن دو تای دیگر کامل نیست. بر همین اساس، می‌توان طرح مقاله را پیش از نوشتن تهیه کرد. شاید نیاز به توضیح نباشد که اصل مقاله که حجم بیشتری نیز خواهد داشت همان متن است و مقدمه و پایان یا نتیجه، اهمیت ثانوی دارند. وقتی طرح آماده شد، اگر مقاله طولانی باشد باید برای هر بخش، و البته بیش از همه برای متن، بندها یا پاراگراف‌هایی تدارک دید. همان طور که می‌دانید، هر بند به تنهایی می‌تواند مفهوم یا معنایی از کل مقاله را در خود داشته باشد. نکته‌ی دیگر این که باید سعی شود بندها طولانی نباشند و در حد امکان برای هر چند بند نیز بهتر است یک «عنوان» در نظر گرفته شود.

به هر حال، مسئله بسیار مهم این است که هیچ مقاله‌ای کامل و بری از اشتباه نیست؛ مگر این که چند بار توسط نویسنده، و چه بهتر یکی دو نفر دیگر، خوانده شود تا اولاً غلط‌های املائی و انشایی آن اصلاح و در حقیقت ویرایش شود، ثانیاً از نظر بیان مفاهیم مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

باری، برای این که در نوشتن مقاله توانا شویم، هیچ راهی بهتر از خواندن مقالات بسیار و آن هم به طور مرتب و پیوسته نیست؛ البته مقالاتی از نویسندگان طراز اول؛ یعنی کسانی که به اصطلاح در حد «استاندارد» می‌نویسند و نه هر مقاله‌ای. مجموعه‌هایی چون دایره‌المعارف‌ها، فرهنگ‌ها و دانش‌نامه‌ها بهترین منبع برای خواندن (والگو برداری) انواع مقالات هستند. پس از آن باید به آثار نویسندگان مشهور و بالاخره پاره‌ای از مجلات و روزنامه‌های معتبر روی آورد.

مجموعه «دعوت به نوشتن» را در شماره آینده به پایان می‌رسانیم و در همان جا نیز موضوعاتی را برای نوشتن مقاله به شما پیشنهاد می‌کنیم. حال در ادامه این مطلب مقاله کوتاهی می‌خوانید درباره «ژول ورن» نویسنده فرانسوی:

ژول ورن

در سال ۱۹۵۸ یک زیردریایی اتمی به نام «ناتیلوس» از زیر یخ پهنا قطب شمال گذشت. در کتابی که صد سال پیش از این نوشته شده است «ناتیلوس» دیگری از زیر یخ پهنا قطب جنوب می‌گذرد، اما این بار یک زیردریایی خیالی مورد بحث است. این کتاب «بیست هزار فرسنگ زیر دریا» نام دارد که به قلم ژول ورن نوشته شده است و قهرمان داستان کاپیتان نمو ناخامای ناتیلوس است.

ژول ورن در شهر نانت فرانسه، به دنیا آمد. هنگام کودکی به ماشین‌آلات و دریانوردی و نویسندگی علاقه داشت. او و برادرش قایق بادبانی کهنه‌ای داشتند و با آن قایق در رود نزدیک شهرشان گردش و جست‌وجو می‌کردند.

پدرشان وکیل دعای بود و ژول را هم به پاریس فرستادند تا رشته حقوق تحصیل کند. اما ژول به زودی به این نتیجه

رسید که رشته‌ای که دوست دارد، رشته حقوق نیست، بلکه نویسندگی است. به انجمنی از نویسندگان علمی پیوست. این انجمن درباره بالون تحقیق می‌کرد و ژول داستانی نوشت به نام «پنج هفته در یک بالون». در مدرسه، جغرافی از درس‌های مورد علاقه‌اش بود و می‌خواست در نوشته‌هایش، تا آن جا که بتواند، جاهای گوناگون دنیا را توصیف کند. داستان بالون را در حقیقت برای توصیف افریقا نوشته بود.

«بیست هزار فرسنگ زیر دریا» و «سفر هشتاد روزه دور دنیا» معروفترین کتاب‌های ژول ورن است. کتاب دومی ابتدا به صورت پاورقی در یکی روزنامه‌های پاریس منتشر شد. در آن هنگام کمتر کسی باور می‌کرد که کاری را که فیلسوف، قهرمان این داستان، کرده بود کسی بتواند انجام دهد.

ژول ورن، هر اندیشه یا مطلبی را که به نظرش می‌رسید و گمان می‌کرد به درد نوشته‌هایش می‌خورد یادداشت می‌کرد. در اتاق کارش یک نقشه بزرگ جهان داشت و راهایی را که قهرمان‌هایش می‌پیمودند روی آن نقشه علامت گذاری می‌کرد. ژول ورن، هنگامی که در ۷۷ سالگی در شهر آمین فرانسه درگذشت، بیش از ۵۰ جلد کتاب نوشته بود.

یکی از علل این که مردم هنوز نام ژول ورن را به یاد دارند و داستان‌هایش را می‌خوانند این است که کتاب‌های او داستان‌های پرحادثه شیرینی در بر دارد. ولی علاوه بر این، ژول ورن بسیاری از اختراعاتی را که امروز صورت می‌گیرد، پیش‌بینی کرده است. ژول ورن عقیده داشت که بشر، روزی دارای هواپیما و زیردریایی و تلویزیون و سلاح‌های دورزن خواهد شد.

هیچ مقاله‌ای کامل و بری از اشتباه نیست؛ مگر این که چند بار توسط نویسنده، و چه بهتر یکی دو نفر دیگر، خوانده شود

برای این که در نوشتن مقاله توانا شویم، هیچ راهی بهتر از خواندن مقالات بسیار و آن هم به طور مرتب و پیوسته نیست

